

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

بحث در این است که آیا تغییر مقام از محلی که الآن موجود است به مکان دیگر جایز است یا خیر؟ در اینجا سه فرع فقهی مطرح است که قبلاً گفتیم باید يك مقداری به عنوان مقدمه بحث مطرح شود. ابتدا معنای لغوی مقام را بررسی کرده و بعد از این که گفتیم مراد از مقام خود همین سنگ است (یعنی خود همین سنگی که جای پای حضرت ابراهیم(علیه السلام) در آن است) نه آن زمینی که این سنگ را روی آن زمین قرار دادند. سپس گفته شد که باید دید از جهت تاریخی این سنگ قبلاً در کجا بوده است؟ در زمان ابراهیم(علیه السلام) کجا بوده؟ در زمان جاهلیت کجا بوده؟ در اوایل زمان پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) کجا بوده است؟

گفته شد که در میان منابع اهل سنت دو قول مشهور مطرح است:

1. قول اول آن است که مقام در زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله) به بیت چسبیده بوده و در زمان خلافت اولی هم همین طور، مقداری از زمان عمر نیز به بیت چسبیده بوده، بعد عمر این سنگ را اینجا قرار دارد. بیش از ده منبع از منابع معتبر عامه (هم از متقدمین شان و هم از متأخرین شان) را نقل کردیم.

2. در مقابل، قول دوم این است که وقتی فتح مکه شد رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) این مقام ابراهیم را به همین مکان فعلی منتقل نمود و بعد در زمان عمر سیل امّ نهشل آمد و این مقام را ملصق به بیت کرد، بعد عمر گفت آیا اندازه فاصله مقام تا بیت را کسی می داند یا نه؟ شخصی به نام مَطْلَب گفت اندازه اش را دارم و اندازه گیری کرد و دوباره همین جا قرار داد.

در میان این دو قول، قول اول هم منابع بیشتری دارد و هم این که معارض ندارد، اما قول دوم معارض داشته و اشکالات سندی دارد.

دیدگاه اهل سنت پیرامون جابجایی مقام ابراهیم

در میان اهل سنت پنج نظریه وجود دارد:

قول اول

قول اول این بود که محل مقام ابراهیم در جاهلیت (یعنی قبل الاسلام) و در عهد پیامبر (صلی الله علیه وآله) در همین مکان فعلی بوده است و در خلافت عمر سیل ام نهشل آن را کنار کعبه قرار داد و عمر دوباره آن را به جای اصلی خودش برگرداند. این قول در تاریخ مکه ازرقی آمده است.

قول دوم

قول دیگر آن است که در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله)، ابوبکر و ابتدای خلافت عمر مقام ابراهیم ملصق و چسبیده به بیت بوده و عمر آن را به این مکان فعلی آورده است. باز يك سیلی آمد که آن را دوباره ملصق به کعبه کرده و عمر مجدداً آن را به این مکان فعلی آورده است. این قول بر اساس روایت سفیان بن عیینه است.

بنابراین قول اول این بوده که در جاهلیت و در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) مقام ابراهیم همین جا بوده و سیلی آمده و دومرتبه عمر به همین جا آورده است. قول دوم این است که در جاهلیت و در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) ملصق به بیت بوده و عمر تغییر داد، سیلی آمد و دو مرتبه عمر همین جا قرار داد.

قول سوم

قول سوم (که از تاریخ طبری استفاده می‌شود) آن است که تا سال هجدهم هجری مقام ابراهیم ملصق به بیت بوده و عمر در سال هجدهم در مکان فعلی قرار داده است.^[1] در این قول، اصلاً بحث سیل مطرح نیست؛ یعنی بعضی از اقوال می‌گویند سیل آمد و این را از اینجا برد به کنار بیت و عمر به خاطر این که سیل جابجا کرده بود، آن را به اینجا آورده و قرار داد؛ چون می‌خواستند نماز بخوانند این نماز با طواف طواف‌گذاران تزامم پیدا می‌کرد و برای این که تزامم ایجاد نشود این کار را کرد.^[2]

در این منابع آمده که عمر سؤال کرد چه کسی می‌داند فاصله بین مقام و بیت چقدر بوده؟ مطلب ابی وداعی گفت من با طناب اینها را اندازه‌گیری کردم، اگر این کار خود عمر بوده قبلاً و آورده اینجا گذاشته، نمی‌شود بگوئیم آن موقع نمی‌دانسته فاصله‌اش چقدر بوده است!

قول چهارم

چهارمین قول آن است که در زمان جاهلیت مقام ملصق به بیت بوده و وقتی پیامبر (صلی الله علیه وآله) مبعوث شد، پس از فتح مکه دستور دادند مقام را در اینجا قرار بدهند. در این قول باز مسئله سیل مطرح نیست، بلکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) وقتی مکه را فتح کردند در آنجا قرار دادند. حال بعضی می‌گویند مقام ابراهیم داخل کعبه بوده و برخی می‌گویند ملصق به بیت بوده است. برخی می‌گویند وقتی بنای کعبه تمام شد حضرت ابراهیم (علیه السلام) این سنگ (که روی آن ایستاده بود و اعلام حج کرده بود و هم کعبه را ساخت و جای پای مبارکش آنجا هست) را داخل کعبه قرار داد تا این که محفوظ بماند. برخی هم می‌گویند همان بیرون کعبه کنار بیت قرار داد، در زمان جاهلیت هم همان جا ملصق به بیت یا داخل کعبه بوده است.

در همین هم نقل‌ها مختلف است، پیامبر (صلی الله علیه وآله) که مکه را فتح کردند سراغ گرفتند که این مقام ابراهیم کجاست؟ این مقام را دستور دادند در همین مکان فعلی قرار بدهند، این با آن نقلی که می‌گوید بعد در زمان عمر يك سیلی آمد این را برد

ملصق کرد، عمر گفت چه کسی اندازه‌اش را خبر دارد سازگاری دارد، اما با نقلی که می‌گوید خود عمر اول اینجا قرار داد و بعد سیل آمد و برد و بعد گفت چه کسی اندازه‌اش را خبر دارد سازگاری ندارد. نمی‌شود بگوئیم عمر به عنوان حاکم گفته اینجا قرار بدهید و بعد نداند کجا قرار داده است! این خیلی بعید است. این مسائل استدلالی نیست.

نکته‌ای که باید توجه داشت آن است که همانطوری که در لغت نمی‌شود اجتهاد کرد در تاریخ هم نمی‌شود اجتهاد کرد، متأسفانه برخی در اینجا اجتهاد می‌کنند. بنابراین قول چهارم این است که مقام ابراهیم در جاهلیت ملصق به بیت بوده، اول کسی که دستور داد به این که در همین مکان فعلی قرار داده شود وجود مبارك پیامبر(صلی الله علیه وآله) بود، بعد در زمان عمر دو مرتبه سیلی آمد و عمر آمد همین جا قرار داد.

قول پنجم

قول پنجم (که از کتاب المدوّنۃ الکبری استفاده می‌شود) آن است که مقام ابراهیم در زمان حضرت ابراهیم(علیه السلام) همین جا بوده و مدت زیادی در زمان جاهلیت هم همین جا بوده است، اواخر جاهلیت قبل الاسلام خود عرب جاهلیت آن را ملصق به بیت کرد. در زمان پیامبر(صلی الله علیه وآله)، ابوبکر و عمر هم ملصق به بیت بوده تا این که عمر دو مرتبه به همان جایی که در زمان حضرت ابراهیم(علیه السلام) بوده این را برگردانده است.

اشکال مهم این قول آن است که جاهلیت کاری بر خلاف عمل حضرت ابراهیم(علیه السلام) انجام داد، اما پیامبر(صلی الله علیه وآله) به آن اعتنایی نداشت تا این که عمر برگرداند به همان جایی که در زمان حضرت ابراهیم(علیه السلام) بوده است!

خلاصه اقوال اهل سنت و ارزیابی آنها

این اقوال در کتاب التاریخ القویم جلد سوم صفحه 315 آمده است. در آنجا بعد از این که این اقوال را مطرح می‌کند می‌گوید: در میان این نقل‌ها چهار قول اقرب به ثواب است.

1. اولین قولی که نقل می‌کند از سنن بیهقی است که همین قول معروف عند العامة و الخاصة است که «كان في زمن النبي(صلی الله علیه وآله) و زمن ابی بكر ملصقاً بالبیت حتی اخره عمر بن الخطاب»؛ مقام ابراهیم ملصق به بیت بوده و بعد عمر آن را اینجا قرار داد.

2. قول دوم از ابن حجر عسقلانی در فتح الباری است که می‌گوید: «المقام كان من عهد ابراهيم لزق البيت»^[3]؛ در زمان حضرت ابراهیم(علیه السلام) ملصق به بیت بوده تا این که عمر آن را به این مکان تغییر داد. فرق قول دوم و اول این است که در قول اول قبل از زمان پیامبر(صلی الله علیه وآله) را نمی‌گویند چه بوده؟ یعنی شاید بگویند روشن نیست که از زمان ابراهیم(علیه السلام) و در زمان جاهلیت چه بوده است، بلکه می‌گویند از زمان پیامبر(صلی الله علیه وآله) این چنین بوده تا عمر تغییر داد، اما در قول دوم می‌گویند در زمان ابراهیم(علیه السلام) هم ملصق بوده؛ یعنی از زمان حضرت ابراهیم(علیه السلام) تا اواسط خلافت عمر این ملصق به بیت بوده بعد عمر آمده تغییر داده است.

3. قول سوم را ابن کثیر در تفسیرش نقل می‌کند: «المقام كان ملصقاً بجدار الكعبة قديماً و مكانه معروفٌ اليوم إلى جانب الباب مما يلي الحجر»؛ یعنی آن طرفی که باب کعبه و نزدیک به حجر اسماعیل است.

بعد می‌گوید: «و كان الخليل عليه السلام لما فرغ من بناء البيت وضعه إلى جدار الكعبة أو أنه انتهى عنده البناء فتركه هناك... و

أَمَّا أَخْرَهُ عَنْ جِدَارِ الْكَعْبَةِ عَمْرُ بْنُ الْخَطَّابِ»^[4]؛ مقام ابراهیم ملصق به دیوار کعبه بوده، از زمان ابراهیم(علیه السلام) هم ملصق به جدار کعبه بوده و عمر آن را از جدار کعبه تأخیر انداخت. ظاهراً بین قول دوم و سوم فرقی نیست، اما صاحب کتاب التاریخ القویم آن را دو قول مجزاً قرار داده است، در قول دوم می‌گوید: «المقام كان في عهد ابراهيم لزق البيت إلى أن أخره عمر»، قول سوم هم می‌گوید: «كان ملصقاً بجدار الكعبة قديماً» فرقی نمی‌کند.

4. قول چهارم نیز از تفسیر ابن کثیر از ابن مردویه است که: «أخرج(صلى الله عليه وآله) مقام ابراهيم و كان في الكعبة (يعني داخل كعبه) فألزقه في حائط الكعبة و ذلك حين ما دخل الكعبة يوم فتح مكة»^[5]؛ مقام ابراهیم در کعبه بوده، پیامبر(صلى الله عليه وآله) آن را خارج کرده و آن را متصل به دیوار کعبه نموده است.

دیدگاه صاحب التاریخ القویم

نویسنده کتاب التاریخ القویم در بررسی اقوال می‌گوید: سه زمان را باید بررسی کنیم: (1) زمان ابراهیم(علیه السلام)، (2) جاهلیت، (3) زمان پیامبر(صلى الله عليه وآله).

الف) بررسی جایگاه مقام ابراهیم در زمان حضرت ابراهیم(علیه السلام)

در زمان حضرت ابراهیم(علیه السلام) طبیعی قضیه این بوده که ایشان پس از این که از بناء بیت فارغ شد به حسب عقلایی، مقام را یا باید داخل بیت بگذارد (مثل نردبانی که کسی با آن بنایی می‌کند و بعد از تمام شدن کار داخل خانه می‌گذارد) یا ملصق به بیت می‌کند. بنابراین معقول نیست که مقام را در محلی که امروز قرار دارد بگذارد.

ایشان می‌گوید: «فلا يعقل أنه وضعه في محل اليوم»؛ این محل امروز که نزدیک زمزم و دور کعبه است معقول نیست. «و لم يأمر الله تعالى بالتوجه إليه حين الصلاة»؛ نکته دیگر آن که فرق زمان ابراهیم(علیه السلام) و زمان پیامبر(صلى الله عليه وآله) این است که در زمان پیامبر اکرم(صلى الله عليه وآله) آیه نازل شد: «و اتخذوا من مقام ابراهيم مصلی»^[6] (از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید) به همین خاطر در زمان پیامبر(صلى الله عليه وآله) نمی‌شود این مقام داخل کعبه باشد و باید بیرون باشد، اما در زمان حضرت ابراهیم(علیه السلام) چنین دستوری نبوده که امر به صلاة بشود.

از سوی دیگر چون این سنگ از یاقوت بهشت بوده (مثل حجر الاسود) و اثر دو قدم ابراهیم(علیه السلام) روی این سنگ بوده (و این خودش از آیات و بینات است)، لذا ابراهیم(علیه السلام) حرمت این مقام را رعایت کرده و آن را دور از بیت نگذاشته، بلکه آن را در داخل کعبه قرار داده تا محفوظ بماند. بعد اسماعیل(علیه السلام) هم که آمده آن را از آنجا بیرون نیاورده و در آنجا مانده است. بنابراین متعارف و معقول در زمان حضرت ابراهیم(علیه السلام) این است که داخل کعبه باشد.

ب) بررسی جایگاه مقام ابراهیم در زمان جاهلیت

از زمان حضرت ابراهیم(علیه السلام) تا زمان پیامبر اکرم(صلى الله عليه وآله) حدود دو هزار سال فاصله است و در این مدت مسئله مقام و اثر پای حضرت ابراهیم(علیه السلام) بسیار مطرح می‌شده و مردم مکه دنبال این بودند که اثر پای ابراهیم(علیه السلام) را ببینند. این سنگ زیر يك صندوقی در خود کعبه بود یا در يك پارچه ضخیمی آن را حفظ می‌کردند و گاه از داخل کعبه بیرون می‌آوردند و متصل به دیوار کعبه می‌گذاشتند تا مردم ببینند، «فیشاهدون جميعاً اشدّ الاحترام».

در اینجا صاحب التاریخ القویم می‌گوید: معقول نیست وقتی از آنجا می‌آوردند که مردم ببینند آن را پائین‌تر قرار بدهند، «و لا یعقل أنهم إذا خرج المقام من جوف الكعبة أن يضعوه في محله بقرب زمزم و ما الداعي لإبعاده عن الكعبة»؛ داعی نبوده که از آنجا دور کنند، «و هم لا يصلون عنده، بل عندهم لا يعرفون الصلاة و کیفیتها، عبادتهم كان للاصنام». بعد صاحب التاریخ القویم می‌گوید: «من المعجزات الباهرات أن أهل الجاهلية مع عبادتهم للاوثان و الاصنام بمختلف انواعها لم يسمع قطعه... و هذا سر من الاسرار الدلیله»، لذا می‌گوید در زمان جاهلیت مقام در جوف کعبه بوده و گاهی بیرون می‌آوردند که مردم جای پای ابراهیم (علیه السلام) را ببینند دوباره داخل می‌گذاشتند.

ج) بررسی جایگاه مقام ابراهیم در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)

ایشان درباره مقام ابراهیم در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) می‌گوید: در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) یک قول آن است که در ابتدای عهد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) قبل از این که نمازهای پنج‌گانه واجب شود مقام متصل به بیت بوده است، «و قيل كان المقام في داخل الكعبة فلما كان يوم فتح مكة اخرج رسول الله (صلی الله علیه وآله) منها فوضعه بلزق الكعبة أي في محل الحفرة»؛ قول دوم این است که مقام داخل کعبه بود و روز فتح مکه پیامبر (صلی الله علیه وآله) بیرون آورد و به دیوار کعبه متصل کرد، آیه که نازل شد: «و اتخذوا من مقام ابراهيم مصلی»، پیامبر (صلی الله علیه وآله) دستور داد که با فاصله در همین جایی که الآن است بگذارند.

«لئلا ينقطع الصلاة بالمصلين و حتى لا يحصل الضيق على الطائفين و المصلين»؛ تا قطع طواف نشود و آنهایی که نماز می‌خوانند. «فبقى المقام في محله الذي هو فيه اليوم في عهد رسول الله (صلی الله علیه وآله) و في عهد ابي بكر و لما جاء سيل ام نهشل» که همان قول دومی است که در جلسات گذشته بحث شد. بعد می‌گوید: «فعلم من كل ما تقدم أن محل المقام الذي هو فيه الآن عند زمزم هو محله الاصلی الذي كان في عهد رسول الله (صلی الله علیه وآله)»؛ این مکان مقام در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) مکان اصلی‌اش همین جا بوده و در عهد ابوبکر و مقداری از عهد عمر هم همین جا بوده است. بعد می‌گوید: «إلى عهدنا هذا لم يتغير و لن يتغير إلى أن تقوم الساعة»؛ نباید تغییر کند تا روز قیامت.

البته این نتیجه‌ای که صاحب التاریخ القویم می‌گیرد با آنچه قبلاً اختیار کرد (که قبلاً همان قول مشهور را اختیار کرده که در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله)، ابوبکر و عمر ملصق به کعبه بود و بعد عمر تغییر داد؛ یعنی همان قول اول از اقوال اربعه‌ای که گفتیم) متفاوت است و ظاهراً از این مطلب عدول کرده و همان قول دوم را اختیار نموده است.

در میان عامه تشنّت اقوال است و منابع مختلفی در این زمینه هست هر چند در میان این اقوالی که در خود عامه هست به حسب صناعت از حیث وثاقت ناقل، از حیث عدم اضطراب، عدم معارضه، صراحت، همین است که این مقام ملصق به بیت بوده، در جاهلیت هم ملصق بوده در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) هم بوده، ابوبکر هم بوده تا عمر این را تغییر داده به این مکانی که الآن هست آورد.

نکته

نکته دیگر آن که بعضی از مفسرین و مورخین‌شان می‌گویند: هیچ کس به عمر اعتراض نکرده و فقط آنچه از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است که حضرت می‌فرماید: عمّالی که قبل از من بودند با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مخالفت‌های زیادی کردند، سنت رسول خدا را تغییر دادند، در دین بدعت ایجاد کردند. بعد حضرت می‌فرماید: اگر من بخواهم مردم را وادار کنم به این که این بدعت‌ها را کنار بگذارم همه متفرق می‌شوند و چیزی از اسلام باقی نمی‌ماند. در آنجا حضرت می‌فرماید: «أرأيت لو امرت بمقام ابراهيم عليه السلام فرددته إلى الموضع الذي وضعه فيه رسول الله... إذن لتفرقوا عني؟»؛ (این یکی از شکایت‌ها و

شکوه‌هایی است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) دارد) اگر من به مردم بگویم جای مقام ابراهیم اینجا نیست و برگردانید به جایی که پیامبر (صلی الله علیه وآله) قرار داده بود، جایی که از جوف کعبه درآورد و متصل به دیوار کعبه کرد، مردم گوش به حرف من نمی‌دهند.^[7] این در حالی است که در تاریخ نیامده که کسی نسبت به حرف و فعل عمر انکار کند.

نکته شایان ذکر آن است که این بحث اگرچه يك بحث تاریخی است، از سوی دیگر گرچه در فقه امامیه اختلاف هست، اما این تشتت اقوالی که در میان عامه هست وجود ندارد. لذا عامه يك وقتی می‌بیند اینقدر اقوال متشتت می‌شود که اصلش از بین می‌رود. از این رو اجماع کردند بر مذاهب اربعه؛ یعنی اجماع شان بر مذاهب اربعه به این جهت بود که داشت و با این تشتت اقوال و قیاس و استحسان و تمام دین از بین می‌رود و در فقه امامیه این چنین نیست.

در فقه امامیه يك قول بیشتر نیست که این مقام ابراهیم در زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) کجا بوده و در زمان جاهلیت کجا بوده، پیامبر (صلی الله علیه وآله) چه کرد و بعد عمر این را تغییر داد.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] □ «وَزَعَمَ أَنَّ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ حَوْلَ الْمَقَامِ فِي هَذِهِ السَّنَةِ فِي ذِي الْحِجَّةِ إِلَى مَوْضِعِهِ الْيَوْمَ، وَكَانَ مُلَصَّقًا بِالْبَيْتِ قَبْلَ ذَلِكَ.» تاريخ الطبري، ج 2، ص 509.

[2] □ «وَزَعَمَ أَنَّ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ حَوْلَ الْمَقَامِ فِي هَذِهِ السَّنَةِ فِي ذِي الْحِجَّةِ إِلَى مَوْضِعِهِ الْيَوْمَ، وَكَانَ مُلَصَّقًا بِالْبَيْتِ قَبْلَ ذَلِكَ.» البدايه و النهايه، ج 7، ص 93.

[3] □ «وَكَانَ الْمَقَامُ مِنْ عَهْدِ إِبْرَاهِيمَ لَزَقَ الْبَيْتِ إِلَى أَنْ أَخْرَهُ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي هُوَ فِيهِ الْآنَ.» فتح الباري، ج 8، ص 169.

[4] □ «وقد كان المقام ملصقاً بجدار الكعبة قديماً، ومكانه معروف اليوم إلى جانب الباب مما يلي الحجر يمناً الداخل من الباب في البقعة المستقلة هناك، وكان الخليل، عليه السلام لما فرغ من بناء البيت وضعه إلى جدار الكعبة أو أنه انتهى عنده البناء فتركه هناك؛ ولهذا -والله أعلم- أمر بالصلاة هناك عند فراغ الطواف، وناسب أن يكون عند مقام إبراهيم حيث انتهى بناء الكعبة فيه، وإنما أخره عن جدار الكعبة عُمَرُ بن الخطاب.» تفسير ابن كثير، ج 1، ص 213.

[5] □ تفسير ابن كثير، ج 1، ص 638.

[6] □ سورة بقره، آيه 125.

[7] □ «فَقَالَ قَدْ عَمِلْتَ الْوَلَاةَ قَبْلِي أَعْمَالًا خَالِفُوا فِيهَا رَسُولَ اللَّهِ ص مُتَعَمِّدِينَ لِخِلَافِهِ نَاقِضِينَ لِعَهْدِهِ مُغَيِّرِينَ لِسُنَّتِهِ وَ لَوْ حَمَلْتُ النَّاسَ عَلَى تَرْكِهَا وَ حَوَّلْتُهَا إِلَى مَوَاضِعِهَا وَ إِلَى مَا كَانَتْ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) لَتَفَرَّقَ عَنِّي جُنْدِي حَتَّى أَبْقَى وَحْدِي أَوْ قَلِيلٌ مِنْ شِيعَتِي الَّذِينَ عَرَفُوا فَضْلِي وَ فَرَضَ إِمَامَتِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَمَرْتُ بِمَقَامِ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) فَرَدَدْتُهُ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي وَضَعَهُ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله)... إِذَا لَتَفَرَّقُوا عَنِّي...» الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج 8، ص: 59، ح 21.